

## کارنامه یک‌ماهه ترامپ در خاور میانه

در هفته چهارم ریاست جمهوری ترامپ توجه سیاست خارجی او بر اروپا بوده است؛ جایی که مذاکرات درباره «پایان» دادن به جنگ روسیه علیه اوکراین ارتباط نادری با خاورمیانه داشته است. مارکو روبریو، دیپلمات ارشد کابینه ترامپ اولین دیدار خود از خاورمیانه به‌عنوان وزیر امور خارجه را پس از سفر به اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به پایان رساند. روبریو در این سفر به شدت تلاش کرد تا بهترین چهره خود را در قبال طرح ترامپ برای غزه نشان دهد و لحن جنگ‌طلبانه خود نسبت به ایران را حفظ کند که هنوز هیچ مسیر سیاسی استراتژیک برای آن تعیین نشده است. روبریو با همتای روسی خود در ریاض دیدار کرد که منجر به هشتمین دیدار بین رئیس‌جمهور اوکراین شد؛ چون در زمانی که او هم در این منطقه بود به این جلسه بحث و گفت‌وگو درباره آینده کشورش دعوت نشد. دیدار در خاورمیانه درباره حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ پژوهاکی از اقدامات ترامپ در خاورمیانه در دور اول ریاست جمهوری اش بود؛ مثل زمانی که یک «طرح صلح» را برای فلسطینی‌ها بدون مشارکت معنادار آنها ارائه کرد یا زمانی که مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها را درباره ایران پیشنهاد داد که فاقد گفت‌وگو یا شرکای منطقه‌ای آمریکا یا ایرانی‌ها نبود و هیچ هدف استراتژیک واضحی را دنبال نمی‌کرد.

این دو مثال یادآوری می‌کنند که اظهارات عمومی بحث‌برانگیز یا ایده‌های «خارج از چارچوب» جایگزین دیپلماسی واقعی نخواهند شد. در نتیجه مارکو روبریو از سفر خاورمیانه مثل اکثر سفرهای سلف خود، آنتونی بلینکن، دست‌خالی بازگشت. زمان خواهد گفت که بازبوسی هوشمندانه و بی سابقه خط مشی متعارف دیپلماتیک است یا بازتابی از تیم سیاست خارجی جدید است که مغلوب شده و به‌سادگی بدهانه‌نوازی می‌کند و احتمالاً برای شغل خود آماده‌گی ندارند. یک ماه از زمان تحلیف، پوشش رسانه‌ای سیاست خارجی ترامپ به‌ویژه همانگونه که به خاورمیانه مربوط می‌شود حول محور دو داستان رسانه‌ای است. اول، برنامه غیرواقعی او برای تصاحب نوار غزه از سوی آمریکا و اخراج بیش از دو میلیون فلسطینی است. دومی هم گام‌های تهاجمی دولت ترامپ برای از کار انداختن بخش‌های کلیدی نهادهای امنیت ملی آمریکا است. حواس پرتی گسترده با طرح بدون برنامه غزه و حتی گام جدی‌تر از کار انداختن توانایی آمریکا برای شکل‌دهی و نفوذ در وقایع دور از خانه می‌تواند سه خطر را برای خاورمیانه به‌همراه داشته باشد.

۱. اصرار بر طرح‌های غیرواقعی با توافق‌های بد به جایگاه آمریکا آسیب می‌زند. سبک ترامپ استفاده از دیپلماسی به‌معنای سنتی آن نیست. ترامپ بیشتر به استفاده از «قدرت زبان‌درازی» شکل منفی از قدرت نرم است. قدرت زبان‌درازی به دوست و دشمن به‌طور یکسان ضربه می‌زند که با هزینه بالای دیپلماتیک همراه است.

۲. تهدیدهای گروه‌های تروریستی مانند داعش؛ خطری که هم اکنون در سراسر خاورمیانه و بخش‌هایی از آفریقا وجود دارد. عده بسیاری از خطر احتمالی توقف کمک‌های خارجی و تجزیه نهادهای کلیدی امنیت ملی آمریکا نگران‌اند. این اقدامات در زمانی رخ می‌دهند که کارشناسان درباره تهدید مداوم و روزافزون گروه‌های تروریستی هشدار می‌دهند.

۳. خطر بزرگ آغاز دوباره جنگ در خاورمیانه. جنگ‌های بین اسرائیل و حماس در غزه و بین اسرائیل و حزب‌الله در لبنان هم اکنون ساکت‌اند اما هر دو آتش‌بس بسیار شکننده‌اند و بدون توافقی ماندگار، احتمال از سرگیری هر کدام از این درگیری‌ها وجود دارد. بخشی از آن به این دلیل است که گروه‌هایی که درگیری‌های ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ را آغاز کردند تضعیف شده‌اند اما از بین نرفته‌اند. اما دلیل دیگر آن فقدان استراتژی دیپلماتیک شفاف و معتبر برای ایجاد پلی از آتش‌بس‌های شکننده به محیط امن‌تری است. زمان در نوار غزه رو به پایان است و توافق سه‌مرحله‌ای در اوایل ماه مارس به‌پایان می‌رسد و تلاش‌های دیپلماتیک بسیاری که برای پیشرفت‌ها در مرحله دوم مورد نیاز است ناکافی باقی مانده است.

در نتیجه، اولین ماه از دور دوم ریاست جمهوری ترامپ دستاوردهای شکننده‌ی اندکی برای ثبات و پیشرفت در منطقه داشته است. رئیس‌جمهور آمریکا ایده‌های تحریک‌کننده‌ای را به سبک «قدرت زبان‌درازی» خود مطرح کرده و تیم دیپلماتیک خود را به اولین سفر بزرگ خود در منطقه فرستاده؛ جایی که تمرکز اصلی آن‌ها بر جنگ روسیه در اوکراین بوده است. در این مرحله از دور دوم ریاست جمهوری ترامپ، آمریکا وارد اتاق تاریکی شده بدون آنکه چراغ‌قوه‌ای در دست داشته باشد.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

بر خلاف پهنادهای نظامی بدون سرنشین که اپراتور انسانی از راه دور تصمیم می‌گیرد جان نفر را بگیرد، سلاح‌های خودمختار از الگوریتم‌ها برای تصمیم‌گیری مستقل استفاده می‌کنند. سلاح‌های خودمختار از قبل برنامه‌ریزی شده‌اند تا هدفی را بر اساس داده‌های مبتنی بر حس‌گرها مثل تشخیص چهره، شناسایی کنند و از بین ببرند. طبق وب‌سایت سلاح‌های خودمختار، گروهی که منابع اطلاعاتی را در حمایت از تنظیم مقررات برای این دسته از سلاح‌ها تولید می‌کنند، در میان تولیدکنندگان سلاح‌های خودمختار می‌توان به آمریکا، چین، ترکیه، اسرائیل و روسیه اشاره کرد. الکساندر کیمنت، مدیر دپارتمان خلع سلاح، کنترل سلاح و عدم اشاعه در وزارت خارجه اتریش است. او در گزارش اخیر خود در همین وب‌سایت به نیاز فوری برای قانونمند کردن سلاح‌های خودمختار به‌دلیل پیشرفت هوش مصنوعی تاکید کرده است. گزارش کیمنت بر روند کند وضع این قوانین باوجود یک دهه بحث و جدل در کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص یا CCW اشاره می‌کند و مشکل اصلی را در تنش‌های ژئوپلیتیکی و عدم اعتماد کشورها به یکدیگر می‌داند.

پیشرفت‌ها در زمینه هوش مصنوعی وعده منفعت برای بشر را می‌دهند چون کارها سریع‌تر و آسان‌تر و قابل دسترس‌تر می‌شوند. با این حال، مثل تمام نوآوری‌ها، هوش مصنوعی همانند مشارکت سیستم‌های سلاح‌های خودمختار به‌ویژه در تصمیم‌گیری برای مرگ و زندگی خطرات جدی را به‌همراه دارد. بسیاری از کارشناسان و توسعه‌دهندگان احتیاط را توصیه می‌کنند و خواستار تأمل و اقدامات نظارتی هستند. ادغام هوش مصنوعی در تسلیحات اساساً این مسئله را که جنگ‌ها چگونه صورت می‌گیرند و نقش انسان در آنها چیست را زیر سوال می‌برد. نمونه‌های اولیه در اوکراین و غزه این تغییر را نشان می‌دهند اما آینده خبر از تغییر بزرگتری می‌دهد. ارتش‌ها به این سیستم‌ها برای سرعت، کارایی و توانایی نیاز دارند تا تعداد تلفات سربازان خود را به‌حداقل برسانند. این امر باعث شده تا میزان سرمایه‌گذاری‌های جهانی برای دستیابی به این سیستم‌ها تشدید شوند. اقتباس گسترده حتمی به‌نظر می‌رسد یا هزینه‌هایی که انتظار می‌رود کاهش یابند و استفاده آنها احتمالاً در سراسر درگیری‌های جهانی تکثیر پیدا خواهند کرد.

این مسیر سوال‌های اخلاقی بدیهی را پیش می‌کشد و چالش‌هایی را برای پیروی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه و قوانین حقوق بشر ایجاد می‌کند. کارشناسان نسبت به شکل‌گیری رقابت‌های تسلیحاتی در تولید سیستم‌های سلاح‌های خودمختار هشدار می‌دهند؛ به‌ویژه در میانه تنش‌های فزاینده ژئوپلیتیکی با خطرات قابل توجهی از گسترش، تشدید ناخواسته و تغییرات غیر قابل پیش‌بینی در دینامیک قدرت‌های جهانی. با اینکه هوش مصنوعی پتانسیل فوق‌العاده‌ای را ارائه می‌کند، ورود این سیستم‌ها نیازمند اقدام فوری برای تضمین عرف‌های قانونی، مرزهای اخلاقی و امنیت جهانی است.

هیچ تعریف مورد توافقی از سیستم‌های سلاح‌های خودمختار وجود ندارد اما در اصل سلاح‌هایی هستند که یک‌بار از سوی انسان فعال می‌شوند، بدون مداخله بیشتر انسان اهداف را انتخاب و با آن درگیری می‌شوند. این سیستم‌های تسلیحاتی «تصمیم» مرگ و زندگی را بر اساس الگوریتم‌های از پیش‌برنامه‌ریزی شده می‌گیرند. این سیستم‌ها ممکن است براساس عناصر هوش مصنوعی ساخته شوند که توسط اپراتورهای انسانی کاملاً قابل درک نیستند و اقدام‌هایشان از سوی افرادی که باید مسئول باشند قابل پیش‌بینی نیست. این موضوع ورود سیستم‌های تسلیحاتی خودمختار را به لحظه مهمی برای تمام موجودات تبدیل می‌کند.

این مقطع بحرانی نیازمند رهبری سیاسی فوری برای تنظیم مقررات و تدابیر حفاظتی است. با این حال، تضاد بین توسعه سریع سلاح‌های مجهز به هوش مصنوعی و سرعت کند بحث‌ها درباره وضع مقررات بسیار شدید است. عدم اعتماد بین کشورها و احتمالاً اعتمادبنفص خدشده‌اش در مسیر راه‌حل‌های فناوری، پیشرفت را مشکل‌زا می‌کند. اگر جامعه جهانی نتواند به‌سرعت عمل کند، فرصت ایجاد گاردیل‌های قانونی از دست می‌رود و سیستم‌های سلاح‌های خودمختار به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند که پتانسیل تبعات ویران‌کننده را دارد.

### یک دهه بحث و جدل

مسئله سیستم‌های سلاح‌های خودمختار اولین بار به‌طور رسمی در سال ۲۰۱۳ در گزارش کریستف هینز، گزارشگر ویژه سازمان ملل در اعدام‌های فراقضایی، شتاب‌زده یا خودسرانه، در شورای حقوق بشر در دستورکار جامعه بین‌المللی قرار گرفت. سال ۲۰۱۶، «کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص» یا CCW گروهی از کارشناسان دولتی را تشکیل کرد تا گزینه‌های تنظیم مقررات را بررسی کنند. این گروه از سال ۲۰۱۷ به‌طور مرتب با یکدیگر دیدار کرده‌اند، درک بیشتری از چالش‌هایی ناشی از این سیستم‌ها را پیدا کرده‌اند که عمدتاً به‌لطف مشارکت جوامع مدنی و دانشگاهیان انجام شده است.

سال ۲۰۱۹، کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص با ۱۱ اصول راهنما موافقت کرد که شامل قابلیت اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای این سیستم‌ها و نیاز به حفظ



عکس: Michael Virtue

# ربات‌های نظامی اوپن‌هایمیری

## جغرافیای سیاسی و تنظیم مقررات استفاده از سامانه‌های سلاح‌های خودمختار

مسئولیت انسان برای تصمیم‌گیری در استفاده از این سیستم‌ها و مسئولیت‌پذیری انسان در سراسر سیکل حیات آن است. بحث‌ها در داخل گروه کارشناسان عمدتاً بر تضمین پیروی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه، مجموعه‌ای از قوانینی که حول انسان‌ها و تصمیم‌گیری‌های انسانی طراحی شده‌اند.

سیستم‌های سلاح‌های خودمختار الزامات قانونی برای مرزبندی بین غیرنظامیان و مبارزان، ارزیابی تناسب و شرط احتیاط لازم در حملات را به چالش می‌کشند. سیستم‌هایی که به اندازه کافی قابل درک نیستند که نمی‌توان به رفتارهایشان اعتماد کرد یا نمی‌توان آنها را محدود کرد؛ از نظر مفهومی چالش‌هایی را برای تضمین سطحی از کنترل موردنیاز برای پیروی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه و همچنین برای حفظ مسئولیت قانونی انسان در روند تصمیم‌گیری سیستم‌های خودمختار ایجاد می‌کنند.

یکی از پاسخ‌های پیشنهادی به این مشلات رویکرد دومر حله‌ای خوانده می‌شود که حمایت‌فزاینده‌ای را گرچه بدون هیچ اجماع‌نظری کسب کرده است. این چارچوب ترکیبی است از ممنوعیت‌ها برای سیستم‌هایی که نمی‌توان از آنها مطابق با حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده کرد و مقررات سخت برای دیگر سیستم‌ها تا پیروی از استانداردهای قانونی را تضمین کند.

در مرکز این بحث تعریف ماهیت و سطحی از «کنترل انسانی معنادار» و «قضاوت درست انسان» مطرح است. با این حال تعریف مشارکت درست انسان مناقشه‌برانگیز است. اختلاف‌نظر‌ها در مورد آنچه که پیش‌بینی‌پذیری، درک و کنترل کافی را تشکیل می‌دهد ادامه دارد، بنابراین در مورد اینکه خطوط ممنوعیت‌ها باید کجا ترسیم شود نیز اشتراک‌نظر وجود ندارد. گروه کوچکی از کشورها ترجیح می‌دهند که هیچ مرزی ترسیم‌نکنند.

سال ۲۰۲۳، دستورکار این گروه کارشناسان تا سال ۲۰۲۶ تمدید شد؛ آن‌هم با اجماع نظر برای تمرکز گسترده‌تری بر توسعه «مجموعه‌ای از عناصر یک سند، بدون پیش‌قضاوتی از ماهیت آن». «رابط این دن بوش»، رئیس این گروه، متنی را تدوین کرد که عناصر احتمالی نظارتی را در پیامکی جمع‌بندی کرد و اصولی را برای یک توافق احتمالی پیشنهاد داد. این گروه در چنین بحث‌هایی با یکدیگر تعامل می‌کنند و اگر متن این پیامک در نوامبر ۲۰۲۴ مقیاسی باشد پس می‌توان گفت پیشرفت در محتوا هم اتفاق خواهد افتاد.

با این حال، پشت پرده، تصویر کمتر دلگرم‌کننده‌ای دیده می‌شود. دامنه بحث این گروه محدود است و با اختلاف‌نظرهای اساسی و روش‌های اجرایی غیرموثر که از سوی قوانین CCW اعمال می‌شوند، با مشکل مواجه می‌شود. مهم‌تر از آن، پشت‌پرده ژئوپلیتیکی مانع اقدامی قاطعانه شده است. افزایش تنش‌ها، عدم اعتماد و اولویت‌های متنوع در میان کشورها منجر به پیشرفت بسیار کند شده است.

به‌رغم یک دهه بحث و گفت‌وگو، جامعه جهانی نتایج ملموس را نشان نداده است. عدم تطابق بین توسعه سریع فناوری‌های سیستم‌های سلاح‌های خودمختار و سرعت کند تنظیم مقررات بین‌المللی امری مشکل‌زاست. رهبری قوی سیاسی با کمک اصول اخلاقی و تعهد به حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای مقابله با این چالش بی سابقه امری اساسی است.

### چالش مقررات جامع

بند «مارتنز» در حقوق بین‌المللی بشردوستانه خواستار آگاهی عمومی برای هدایت ملاحظه‌ای است که تشخیص دهند چه چیزی در جنگ قابل قبول و غیرقابل قبول است. قانون باید دربرابر نیازهای گسترده‌تر جامعه پاسخگو باشد. مقررات سیستم‌های سلاح‌های خودمختار از سوی عوامل و ملاحظاتی مطالبه می‌شود که فراتر از قانون و درگیری‌های مسلحانه می‌روند. با اینکه حقوق بین‌المللی بشردوستانه در مرکز باقی می‌ماند، به نگرانی‌های گسترده‌تر و مرتبط با حقوق بشر، اخلاق و امنیت جهانی نیز باید توجه شود.

سلاح‌های خودمختار سوال‌های مهمی را تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه مطرح می‌کنند؛ به‌ویژه درباره «حق زندگی» و مسئولیت قانونی. توسعه و استفاده آنها احتمالاً فراتر از جنگ می‌رود؛ جایی که این قوانین قابل اجرا هستند، اجرای قانون و کنترل مرزی را دربرمی‌گیرد. قوانین جدید که ممکن است از دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه کافی باشند لزوماً با ملزومات قوانین حقوق بشر همسو نیستند. پتانسیل این سیستم‌ها برای تصمیم‌گیری‌های مرگبار و بدون نظارت انسان، نگرانی‌ها درباره اینکه چه کسی مسئولیت خطاها یا کشتارهای غیرقانونی را بپذیرد، تشدید می‌کند. از نظر اخلاقی، اتوماسیون زور، اصول اصلی کرامت انسانی را به چالش می‌کشد.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نگرانی اخلاقی هدف‌قرار دادن مستقیم افراد است. این امر خطر محروم کردن انسان‌ها از کرامت، غیرانسانی کردن استفاده از زور و نقض حقوق عدم تبعیض را در پی دارد.

حفاظت‌های کلیدی مانند نیاز به تشخیص مبارزان از غیرنظامیان یا محافظت از سربازانی که در جنگ زخمی شده‌اند، در صورتی که برای راندن اتوماسیون در سراسر باشد، ممکن است حذف شوند. سیستم‌هایی که برنامه‌ریزی شده‌اند تا گروه‌های جمعیتی را تمیز دهند خطر جاساز شدن تبعیض‌های جمعیتی را در مجموعه داده‌های خود دربردارند و به‌طور نامتناسبی بر جوامع به حاشیه رفته تأثیر می‌گذارند. خطاها از چنین تبعیض‌هایی ریشه می‌گیرند که می‌توانند به نقض شدید حقوق و تشدید نابرابری‌ها منجر شوند.

این سیستم‌ها علاوه بر خطرات اخلاقی در سطحی که انسان را هدف قرار می‌دهند، ممکن است خطراتی را برای صلح جهانی و ثبات داشته باشند. این سلاح‌ها در جایی که خطرات را برای سربازان کشور خود کاهش می‌دهند، ممکن است آستانه سیاسی برای اعزام یا استفاده از زور نظامی را هم کاهش دهند. آنها وعده عملیات پرسرعت را می‌دهند اما این امر اغلب به هزینه هنگفت کنترل انسانی تمام می‌شود. این فناوری‌ها می‌توانند خطر تشدید درگیری را در میان رویارویی‌های سریع و ماشین‌محور بالا ببرند. این سیستم‌ها احتمالاً در درگیری‌های سیستماتیک نقش چشمگیری خواهند داشت و احتمالاً به سلاح‌های موردنظر تروریست‌ها و بازیگران غیردولتی تبدیل خواهند شد. کنترل اشاعه این سلاح‌ها نیازمند عملکرد هماهنگ ابزارهای قانونی، سیاسی و فنی است.